

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

باسمه تعالی

تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

اعضای هیأت داوران نسخه نهایی رساله خانم **لیلا کیان خواه** تحت عنوان:
مابعدالطبیعه (تعریف، موضوع و روش) از دیدگاه ابن سینا و توماس آکوئینی را
از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه دکتری پیشنهاد
می کنند.

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیأت داوران
	دانشیار	دکتر رضا اکبریان	۱- استاد راهنما :
	دانشیار	دکتر محمد سعیدی مهر	۲- استاد مشاور:
	استاد	دکتر حسین کلباسی اشتری	۳- استاد مشاور:
	دانشیار	دکتر سید محمد علی حجتی	۴- نماینده تحصیلات تکمیلی:
	دانشیار	دکتر رضا اکبری	۵- استاد ناظر :
	استادیار	دکتر حسین هوشنگی	۶- استاد ناظر :
	استادیار	دکتر فاطمه صادق زاده قمصری	۷- استاد ناظر :
	استادیار	دکتر سید عباس ذهبی	۸- استاد ناظر :

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عنوان پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می‌باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می‌باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸/۴/۸۷ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۲۳/۴/۸۷ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۱۵/۷/۸۷ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب.....
مقطع..... دانشکده..... متعهد می‌شوم کلیه نکات مندرج در آئین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین‌نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا: کمان خواجه
تاریخ: ۹۰ / ۹ / ۱۹

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته فلسفه است که در سال ۱۳۸۵ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر رضا البرزانی، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر محمد سعیدی مهر و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر محمد سعیدی مهر از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب لیلی کبان خواه دانشجوی رشته فلسفه مقطع دکتری تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: کبان خواه

تاریخ و امضا:

۹۰/۹/۱۹



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده علوم انسانی

**رساله دکتری رشته فلسفه گرایش حکمت مشاء
مابعدالطبیعه (تعریف، موضوع و روش) از دیدگاه ابن سینا و
توماس آکوئینی**

لیلا کیان خواه

استاد راهنما:

دکتر رضا اکبریان

اساتید مشاور:

دکتر محمد سعیدی مهر

دکتر حسین کلباسی اشتری

تیر ۱۳۹۰

تقديم به

بانوی بزرگوار دو عالم، فاطمه الزهراء سلام الله عليها.

خالصانه ترین حمد و ثنا و عاشقانه ترین سپاسم را نثار وجود پاکی می کنم که با لطف بی کران خویش، افتخار بندگی خود را به من عطا نمود و بزرگترین موهبت یعنی عقل را به من افاضه فرمود تا بتوانم لحظاتی از وجودم را با تفکر در مورد ذات بی کرانش متبرک کنم.

و تشکر و قدردانی می کنم از راهنمایی های بی دریغ جناب آقای دکتر رضا اکبریان که در طول تحصیل در دوره دکتری و در نگارش این رساله مرا یاری کردند و از نظریات ارزشمند خویش مرا بهره مند ساختند و نیز از مشاوره های ارزشمند جناب آقای دکتر محمد سعیدی مهر و جناب آقای دکتر حسین کلباسی که روشنگر راه من در این رساله بودند. علاوه بر این لازم می دانم که از زحمات تمام اساتیدم در دانشگاه امام صادق علیه السلام و دانشگاه تربیت مدرس کمال قدردانی را داشته باشم و خود را تا ابد مدیون زحماتشان بدانم. و نیز تشکر ویژه دارم از پروفسور دکتر ماآرتن هونن، مدیر گروه فلسفه دانشگاه فرایبورگ آلمان که در طول دوره تحقیقاتی، استاد مشاور من بودند و دلسوزانه مرا در نگارش این رساله یاری کردند.

چکیده:

ارسطو در کتاب ما بعدالطبیعه دو رویکرد متفاوت به دانش مابعدالطبیعه دارد. و در اثر تفاوت این دو دیدگاه، دو موضوع متفاوت برای مابعدالطبیعه معرفی می کند. در یک نگاه ما بعدالطبیعه را دانش موجود بما هو موجود دانسته و در نگاه دیگر آنرا الهیات می نامد. الهیات علم طبقه خاصی از موجودات یعنی علم به علل نخستین بوده و بنا براین موضوع آن موجودات الهی است. تفاوت این دو رویکرد تاثیرات فراوانی بر نظامهای فلسفی پس از او گذاشته است.

ابن سینا و آکویناس هرچند هر دو ما بعدالطبیعه را علم موجود بما هو موجود می دانند ولی رویکرد آن دو به ما بعدالطبیعه متفاوت است. پس از ارسطو، در طول تاریخ فلسفه، فارابی و ابن سینا نخستین کسانی هستند که، موضوع ما بعدالطبیعه را موجود بما هو موجود می دانند. و ابن سینا نخستین کسی است که بحث در مورد تبیین موضوع مابعدالطبیعه را به عنوان یک مساله متافیزیکی مطرح می کند. نکته مهم و اساسی این است که ابن سینا، خدا را در زمره مصادیق مابعدالطبیعه قرار داده و علم خداشناسی را بخشی از ما بعدالطبیعه می داند.

توماس آکوئینی هر چند که به تبع ابن سینا، موضوع ما بعدالطبیعه را موجود بما هو موجود می داند ولی خدا را در ذیل آن قرار نداده و موجود بما هو موجود را اثر خاص خدا و معلول او بر می شمرد و بنابراین خداشناسی یعنی علمی که موضوع آن خداست را متمایز از ما بعدالطبیعه تلقی می کند. از نظر او غایت ما بعدالطبیعه شناخت خدا است.

کلمات کلیدی: مابعدالطبیعه، الهیات، ارسطو، ابن سینا، توماس آکوئینی، موجود بما هو

موجود

فهرست مطالب:

عنوان	صفحه
فصل اول : مقدمه و کلیات تحقیق	
۱-۱- مقدمه و بیان مساله.....	۲
۲-۱- سوالات تحقیق.....	۱۰
۳-۱- فرضیات تحقیق.....	۱۱
۴-۱- منطق طرح بحث.....	۱۲
۵-۱- دامنه تحقیق.....	۱۲
۶-۱- روش تحقیق.....	۱۶
۷-۱- اهداف.....	۱۷
۸-۱- ضرورت تحقیق.....	۱۷
۹-۱- پیشینه تحقیق.....	۱۸
۱۰-۱- جنبه های نو آوری تحقیق.....	۱۹

فصل دوم: تعریف مابعدالطبیعه از دیدگاه ابن سینا و توماس آکوئینی

مقدمه.....	۲۱
۱-۲- تعریف مابعدالطبیعه از دیدگاه ارسطو	۲۲
۱-۱-۲- تعریف مابعدالطبیعه در کتاب آلفای بزرگ.....	۲۴
۲-۱-۱-۲- تحلیل معنای اول مابعدالطبیعه.....	۲۶
۳-۱-۱-۲- ویژگی های سوفیا.....	۳۱
۲-۱-۲- تعریف مابعدالطبیعه در کتاب گاما.....	۳۳
۳-۱-۲- تعریف مابعدالطبیعه در کتاب اپسیلن	۳۴
۲-۲- مروری اجمالی بر تطور معنای مابعدالطبیعه از ارسطو تا ابن سینا	۳۹
۳-۲- تعریف مابعدالطبیعه از دیدگاه ابن سینا.....	۴۰
۱-۳-۲- ضرورت وجود موضوع برای علم مابعدالطبیعه	۴۱
۲-۳-۲- تقسیمات علوم نظری.....	۴۳
۳-۳-۲- تعیین موضوع علم مابعدالطبیعه.....	۴۴

۴۴	۲-۳-۱- آیا وجود خدا می تواند موضوع مابعدالطبیعه باشد.
۴۸	۲-۳-۲- آیا علل قصوی می توانند، موضوع مابعدالطبیعه باشند.
۵۴	۲-۳-۳- موجود بما هو موجود موضوع مابعدالطبیعه است.
۵۸	۲-۳-۴- تعریف مابعدالطبیعه در آثار ابن سینا.
۶۲	۲-۳-۵- نسبت مسائل فلسفی با موجود بما هو موجود.
۶۴	۲-۳-۶- چگونگی بحث از مبادی موجود بما هو موجود، در مابعدالطبیعه.
۶۷	۲-۳-۷- اسامی مختلف علم مابعدالطبیعه در آثار ابن سینا.
۷۰	۲-۳-۸- غایت مابعدالطبیعه.
۷۰	۲-۳-۹- منابع فکری ابن سینا در ارائه تعریف مابعدالطبیعه.
۷۰	۲-۳-۹-۱- تاثیر فلاسفه یونانی.
۷۴	۲-۳-۹-۲- تاثیر رساله اغراض مابعدالطبیعه فارابی.
	۲-۴- تعریف مابعدالطبیعه از دیدگاه توماس آکوئینی

۷۹	مقدمه
۷۹	۲-۴-۱- توماس آکویناس و جو حاکم بر افکار فلسفی او.
۸۲	۲-۴-۲- تقسیمات علوم نظری.
۸۷	۲-۴-۳- تعریف مابعدالطبیعه از دیدگاه آکویناس.
۸۸	۲-۴-۳-۱- تعاریف مختلف دانش مابعدالطبیعه در آثار آکویناس.
۹۰	۲-۴-۳-۲- متافیزیک علمی واحد است.
۹۴	۲-۴-۳-۳- آیا بحث از خدا و صفات او جزء مسائل مابعدالطبیعه است.
۱۰۶	۲-۴-۴- آموزه مقدس از دیدگاه توماس آکویناس.
۱۰۷	۲-۴-۴-۱- ضرورت وجود آموزه مقدس.
۱۱۳	۲-۴-۴-۲- آموزه مقدس علم است.
۱۱۷	۲-۴-۴-۳- روش آموزه مقدس.
۱۲۰	۲-۴-۵- توماس آکویناس فیلسوف یا الهی دان.

فصل سوم: موضوع مابعدالطبیعه از دیدگاه ابن سینا و توماس آکوئینی

۱۲۳	مقدمه
۱۲۴	۳-۱- بحثی ریشه‌شناختی در باب موجود و معادل‌های یونانی و لاتینی آن.

۲-۳-۲- موضوع مابعدالطبیعه از دیدگاه ابن سینا.....	۱۲۶
۳-۲-۱- موجود بدیهی است.....	۱۲۶
۳-۲-۲- اشتراک معنوی و تشکیک مفهومی موجود.....	۱۳۴
۳-۲-۳- تمایز وجود و ماهیت.....	۱۳۸
۳-۲-۳-۱- معنای ماهیت.....	۱۳۹
۳-۲-۳-۲- تبیین اصل تمایز وجود و ماهیت.....	۱۴۰
۳-۲-۳-۳- عروض وجود بر ماهیت.....	۱۴۱
۳-۲-۴- اصل تمایز واجب الوجود از ممکن الوجود.....	۱۴۴
۳-۲-۴-۱- تعریف واجب و ممکن.....	۱۴۵
۳-۲-۴-۲- رابطه علیت بر اساس اصل تمایز واجب از ممکن.....	۱۴۶
۳-۲-۴-۳- امکان ذاتی ماهوی ملاک نیاز به علت.....	۱۴۷
۳-۲-۴-۴- واجب الوجود علت وجود ممکنات است.....	۱۴۹
۳-۲-۴-۵- وجود ممکن، وجود ربطی تعلقی است.....	۱۵۱
۳-۲-۴-۶- واجب الوجود ماهیت ندارد.....	۱۵۳
۳-۲-۵- وجودات عالم کثرت تشکیکی دارند.....	۱۵۶
۳-۲-۶- تعیین مصادیق موجود بما هو موجود از نظر ابن سینا.....	۱۵۸
۳-۳- موضوع مابعدالطبیعه از دیدگاه توماس آکویناس.....	۱۵۹
۳-۳-۱- دو رأی آکویناس در باب ادراک مفهوم موجود و وجود.....	۱۶۱
۳-۳-۱-۱- رأی اول: مفهوم موجود بدیهی است.....	۱۶۲
۳-۳-۱-۲- رأی دوم: ادراک مفهوم وجود دارای فرایندی پیچیده است.....	۱۶۴
۳-۳-۱-۳- بررسی تعارض دو رأی آکویناس در باب ادراک موجود و وجود.....	۱۷۹
۳-۳-۲- موجودات معلول مرکب از ذات و وجودند.....	۱۸۴
۳-۳-۳- ذات خدا همان وجود اوست.....	۱۹۰
۳-۳-۴- اصل بهره مندی.....	۱۹۴
۳-۳-۵- وجود مفهومی متشابه است.....	۲۰۴
۳-۳-۶- تعیین مصداق موجود بما هو موجود از دیدگاه آکویناس.....	۲۱۰

۲۱۸	۱-۴- روش مابعدالطبیعه از دیدگاه ابن سینا.....
۲۱۸	مقدمه:.....
۲۱۹	۱-۱-۴- مروری اجمالی بر قیاس برهانی و شرایط آن از دیدگاه ابن سینا.....
۲۱۹	۱-۱-۱-۴- کلی بودن مقدمات برهان.....
۲۲۱	۲-۱-۱-۴- ضروری بودن مقدمات برهان.....
۲۲۲	۳-۱-۱-۴- ذاتی بودن محمولات در مقدمات برهان.....
۲۲۳	۴-۱-۱-۴- معنای عرض ذاتی.....
۲۲۵	۵-۱-۱-۴- برهان لمی و برهان انی.....
۲۲۶	۲-۱-۴- برهان به عنوان روش مابعدالطبیعه.....
۲۲۸	۳-۱-۴- ترسیم ساختار علم مابعدالطبیعه از دیدگاه ابن سینا.....
۲۳۰	۴-۱-۴- محدودیت های برهان در مابعدالطبیعه.....
۲۳۲	۲-۴- روش مابعدالطبیعه از دیدگاه توماس آکویناس.....
۲۳۲	مقدمه.....
۲۳۴	۱-۲-۴- هر کدام از علوم نظری روش خاص خود را دارند.....
۲۳۵	۲-۲-۴- تمایز میان عقل استدلالی و عقل شهودی.....
۲۳۷	۳-۲-۴- تبیین فرایند استدلال.....
۲۳۹	۴-۲-۴- تمایز روش طبیعیات و مابعدالطبیعه.....
۲۴۳	فصل پنجم: جمع بندی و نتیجه گیری.....
۲۵۵	فهرست منابع.....
۲۶۳	چکیده انگلیسی.....

فصل اول

مقدمه و کلیات طرح تحقیق

۱-۱- مقدمه و بیان مساله:

ابن سینا (۴۲۸-۳۷۰ه.ق) فیلسوف بزرگ اسلامی و بنیان گذار حکمت مشاء اسلامی را به حق می توان یکی از نوابغ برجسته تاریخ خواند. فلسفه اسلامی که با کندی در قرن دوم هجری آغاز شده بود و با فارابی در قرن سوم هجری و اخوان الصفا در قرن چهارم هجری روندی رو به رشد را طی کرده بود، با ظهور ابن سینا در قرن پنجم هجری توسعه و تکامل عظیمی یافت. نظام فلسفی ابن سینا نظام عقلانی محضی است که بسیاری از اصول زیربنائی آن را اصول فلسفه ارسطویی تشکیل می دهند. بنابراین فلسفه او را می توان فلسفه مشائی خواند. ابن سینا تاکید دارد که در میان فلاسفه یونان تنها کسی که به درک حقیقت نائل شد و از خطای در اندیشه تا حد زیادی مصون ماند، ارسطوست. او در فصل دوم از مقاله هفتم *الهیات شفاء* می گوید:

« فلسفه در دوره های اولیه، خام و نارس بوده و کم کم به مرور زمان و در طی دوره های مختلف، پیشرفت کرده است. به همین دلیل است که فلسفه ای که یونانیان به آن اشتغال داشته اند، مبتنی بر خطابه و البته آمیخته به خطا و جدل بوده است. اولین قسم فلسفه که رایج شده بود فلسفه طبیعی بود و در دوره های بعد، پیشرفت کرد و منجر به ریاضیات و الهیات شد. ولی انتقال یونانیان از یک دوره فکری به دوره فکری بالاتر محکم و استوار نبوده است. به همین دلیل است که وقتی یونانیان، از علم به محسوس به علم به معقول رسیدند، دچار تشویش شدند. و برخی از آنان

همانند افلاطون و استادش سقراط، در اثر همین اعتقادات مشوش و ناپایدار معتقد به عالم مثل شدند.» (ابن سینا، ۱۴۰۴، ۳۱۱-۳۱۰)

ابن سینا ارسطو را در میان یونانیان نخستین کسی می داند که از طریق روش برهانی، مراحل کمال در مابعدالطبیعه را طی کرده است. او در فصل ششم از مقاله هشتم *الهیات شفاء* بر این نکته تاکید کرده و می گوید:

« حتی برای برخی از افراد ممتنع نبود که در میان اشیاء شیئی وجود داشته باشد که خودش موجب حرکت خودش شود. تا این که بر علیه آن ها برهان اقامه شد. (ابن سینا، ۱۴۰۴، ۳۵۷)

منظور ابن سینا در این عبارت از افرادی که معتقد به وجود اشیائی شدند که خودشان باعث حرکت خودشان می شوند، افلاطون و افلاطونیان است که معتقدند، نفس عامل حرکت خودش است و ادامه عبارت او اشاره به ارسطو دارد که برای نخستین بار در کتاب *درباره نفس*، بر علیه آن ها برهان اقامه کرده است. (408b32-409a30)

از نظر ابن سینا ارسطو نخستین کسی است که راه کمال در مابعدالطبیعه را طی کرد و از طریق گمراهی یونانی خارج شد و به حقیقت نزدیک شد. اما با وجود تمام احترامی که ابن سینا برای ارسطو قائل است، افکار او را هم مصون از خطا نمی داند و در مواضع متعددی به نقد نظریات او می پردازد. ابن سینا در مقدمه *منطق المشرقیین* با اعتراف به فضل و کمال ارسطو می گوید:

« نه تنها ارسطو هم از لغزش و خطا به دور نبوده و زندگی او در اشتغال به پاره ای خطاها و کمبود ها سپری شد و نتوانست که آثار خود را اصلاح و تکمیل کند، حتی فیلسوفانی هم که پس از او ظهور کردند، هیچ کدام نتوانستند از عهده آن چه که او به میراث گذاشته بود، بر آیند. ولی در

مقابل وارثان ارسطو که نتوانستند راه ارسطو را ادامه دهند، ما در همان ابتدای اشتغال به مطالعه آثار ارسطو، معنای سخنان او را به راحتی دریافتیم.» (ابن سینا، ۱۹۱۰، ۲)

همان گونه که ابن سینا در این عبارات بر آن تاکید دارد، ارسطو هم به هیچ وجه از خطا مصون نبوده است و در آثار او خطاها و کمبودهایی مشاهده می شود. ابن سینا در طریق فلسفی، خود را ملزم به حفظ تمامی اصول و مبانی ارسطو نمی داند و در جای جای آثار خود سخنان او را مورد نقد قرار داده است. در عبارات فوق، ابن سینا خود را نخستین کسی می داند که توانست حقیقت سخنان ارسطو را در یابد و حق را از باطل آشکار سازد. بنابراین، به هیچ وجه نمی توان ابن سینا را شارح آثار ارسطو دانست. ابن سینا غیر از رساله شرح کتاب لامبدای ارسطو^۱ هیچ اثری در شرح آثار ارسطو ندارد. حتی در این رساله هم که به نوعی شرح بخشی از کتاب مابعدالطبیعه محسوب می شود، صرفاً به شرح آراء ارسطو نمی پردازد بلکه در اکثر موارد، مطالب کتاب لامبدا را مورد نقد قرار داده و به ارسطو اعتراض می کند. او در شرح این رساله روش ارسطو در اثبات خدا را دون شأن واجب الوجود دانسته و خود از طریقی دیگر وجود خدا را اثبات می کند. ابن سینا در شرح کتاب اللام می گوید:

^۱ - شرح ابن سینا بر کتاب اللام، به بخشهای شش به بعد کتاب لامبدا اختصاص دارد. این رساله بخش های باقیمانده از کتاب الانصاف است که در زمان حیات ابن سینا از بین رفته است. ابن سینا در این رساله تنها به شرح و تفسیر کتاب اللام نپرداخته بلکه در اکثر موارد آراء خاص خود را مطرح کرده و به نقد آراء ارسطو می پردازد. نکته بسیار مهم این است که شرح ابن سینا به دلیل اینکه پاره های باقیمانده از کتاب الانصاف است، مورد توجه سایر متفکران واقع نشده است؛ از این رو تحلیل و بررسی آن به منظور نشان دادن جنبه های انتقادی و وجوه تمایز خطوط فکری ابن سینا با ارسطو بسیار حائز اهمیت است.

« این که از طریق حرکت بخواهیم به حق اول برسیم و اثبات کنیم که خداوند مبدا حرکت است، از راه صواب به دور مانده ایم و از این طریق بسیار مشکل است که بگوییم خدا مبدا ذوات موجودات است و در نتیجه، بعد از این که اثبات کردیم خدا موجد حرکت فلک است، نمی توانیم اثبات کنیم خدا موجد ذات فلک هم هست. کسانی که به این برهان متوسل شده اند؛ نمی توانند حرکت را حد وسطی برای اثبات اینکه خدا مبدء وجود است قرار دهند.» (ابن سینا، ۱۹۷۸، ۲۴-۲۳)

این مساله، یکی از نکات حائز اهمیت است که نشان می دهد خدای ارسطو فقط محرک بوده در حالیکه خدای ابن سینا فاعل وجود بخش است و این نکته تمایزی بسیار بزرگ میان جهان بینی ارسطو و ابن سینا است. شاید بتوان گفت، هدف ابن سینا از شرح این رساله، تاکید بر میزان تمایز رأی ارسطو در مورد خدا با آراء خاص او در باب خدا و صفات او بوده باشد و نه شرح و تفسیر و توجیه آراء ارسطو.

علاوه بر این اثر، ابن سینا در آثار دیگرش نیز بارها بر تمایز نظریات فلسفی خود از آراء فلسفی ارسطو تاکید کرده است. البته ذکر این نکته ضروری است که ابن سینا در همه مواردی که با ارسطو اختلاف دارد به مخالفت علنی و آشکار با او نمی پردازد. به ویژه در کتاب *الهیات شفاء* سعی کرده است که تا حد زیادی از مخالفت با او خودداری کند. او در مدخل کتاب *شفاء* می گوید:

« غیر از کتاب *شفاء* کتاب دیگری دارم که فلسفه را آن گونه که در طبع خود است و بنا بر آنچه عقیده آشکار و صریح ایجاب می کرد، آورده ام و در آن جانب عقاید شریکان در صنعت - یعنی فلسفه - رعایت نمی گردد و از مخالفت با ایشان پرهیز نمی شود، آن گونه که در کتابهای دیگر از آن پرهیز می شود و آن کتاب من در حکمت مشرقیه است... » (ابن سینا، ۱۴۰۶، مدخل، ۱۰)

اما با وجود این که ابن سینا در کتاب *شفاء* سعی می کند از ابراز نظرات شخصی پرهیز کند و بر طبق مبانی مشاء رفتار کند ولی همان گونه که خودش در مقدمه کتاب *منطق المشرقیین* بر آن تاکید دارد، حتی در کتاب *شفاء* هم در برخی مباحث که تحمل پذیرش نظر مشاء را نداشته، آشکارا با آنان مخالفت کرده است و به ابراز نظر شخصی پرداخته است. (ابن سینا، ۱۹۱۰، ۴-۲).

از مجموع عبارات مذکور می توان دریافت که ابن سینا را باید به حق، فیلسوفی موسس دانست که مابعدالطبیعه ای (یا متافیزیکی) را تاسیس کرده که هم عناصر فلسفه ارسطویی در آن مشهود است و هم آراء ابداعی و ابتکاری خود در آن چشم گیر است. البته بهره برداری ابن سینا از دو کتاب *اثولوجیا* اثر افلوپین^۱ و کتاب *العلل* اثر پروکلس^۲ که هر دو در زمره فلاسفه نوافلاطونی محسوب می شوند، موجب شده تا برخی عناصر فلسفه نوافلاطونی به مابعدالطبیعه ابن سینا راه پیدا کنند. ذکر این نکته ضروری است که فلسفه ابن سینا یک فلسفه التقاطی نیست. چرا که او این اصول اولیه را در ذهن خلاق و توانمند خود پروراند و سپس با استفاده از آراء ابتکاری خود ساختار مابعدالطبیعه متفاوتی را ارائه نموده است. بسیاری از اصول فکری ابتکاری ابن سینا که برای نخستین بار وارد حیطه فلسفه شده اند، به دلیل انگیزه های دینی و مذهبی بوده اند. چرا که ابن سینا فیلسوف متدینی بوده است که کوشیده تا عقاید فلسفی خود را با دین اسلام سازگار کند. به عنوان مثال او برای تبیین اصل خلقت، بحث تمایز وجود از

^۱ - کتاب *اثولوجیا*، اثر پلوتینوس یا افلوپین، فیلسوف یونانی و موسس فلسفه نوافلاطونی است. اما تا قرن نوزدهم این کتاب منسوب به ارسطو بوده است. تا اینکه در سال ۱۸۸۳ میلادی توسط والتین روزه مشخص شد که این اثر متعلق به افلوپین است.

^۲ - کتاب *العلل* نوعی باز نویسی از کتاب *Elementatio Theologica* اثر پروکلس فیلسوف نوافلاطونی است. اولین بار توماس آکویناس متوجه شد که این کتاب اثر ارسطو نبوده و متعلق به پروکلس است ولی نزد فیلسوفان مسلمان، این کتاب منسوب به ارسطو بوده است.

ماهیت را برای نخستین بار اثبات کرده و در ساختار مابعدالطبیعه خود از آن بهره می جوید. البته ابن سینا هیچ گاه در اثبات مسائل فلسفی از اصول ایمانی و ادله نقلی استفاده نکرده است. ولی این بدین معنی نیست که او در طرح و حل مسائل فلسفی، انگیزه های ایمانی را در ذهن نداشته باشد.

ساختار مابعدالطبیعه ابن سینا، بر محور موجود است. او علم مابعدالطبیعه را علم موجود بما هو موجود و عوارض ذاتیه آن می داند. ابن سینا به هیچ وجه مابعدالطبیعه ارسطو را که بر محور جوهر است، نمی پذیرد و از لایه های عرض و جوهر گذر کرده و اشیاء را در لایه ی باطنی و وجودی آن ها مورد بررسی قرار می دهد. لذا بر خلاف متافیزیک ارسطو که متافیزیک جوهر است، متافیزیک ابن سینا متافیزیک موجود است. او مابعدالطبیعه را آن چنان عام و فراگیر ترسیم می کند که هر آنچه که موجود است و در برابر عدم قرار می گیرد در زمره مسائل آن به شمار می آید. از جمله مصادیق موجود، خداوند تبارک و تعالی است که از آن جهت که موجود است، در مابعدالطبیعه مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. بنابراین از نظر ابن سینا، خداشناسی و یا آن چه که ما امروزه الهیات با لمعنی الاخص می خوانیم، بخشی از مابعدالطبیعه محسوب می شود. بنابراین می توان گفت، ابن سینا، مبتکر مابعدالطبیعه ای است که همه چیز در آن بر اساس موجود تفسیر و تبیین می شود.

ابن سینا برای نخستین بار بحث در مورد موضوع مابعدالطبیعه را به عنوان یک مساله متافیزیکی در کتاب *الهیات شفاء* مطرح کرده و به سه طریق متفاوت اثبات می کند که موضوع مابعدالطبیعه موجود بما هو موجود است. او همواره تاکید می کند که وجود خدا در مابعدالطبیعه اثبات می شود و در زمره مسائل مابعدالطبیعی به شمار می آید.

ذکر این نکته ضروری است که هر مساله فلسفی در پاسخ به یک پرسش فلسفی مطرح می شود، و هر فیلسوفی به منظور پاسخ گویی به سوالات خاصی که برایش مطرح شده است، به ارائه ساختار فلسفی خود می پردازد. این امر وقتی وضوح بیشتری پیدا می کند که مساله مطرح شده توسط یک فیلسوف خاص، مساله ای ابتکاری و بی سابقه بوده باشد. بنابراین تمامی مسائل فلسفی مطرح شده در آثار ابن سینا نیز باید پاسخ به یک پرسش فلسفی مهم باشند. پرسش های فلسفی که ممکن است در طول تاریخ شکل گرفته باشند و ابن سینا تلاش می کند تا با حفظ اصول ایمانی خود در چارچوب فلسفه مشائی به آن ها پاسخ گوید.

بحث از موضوع مابعدالطبیعه و اثبات موضوعیت موجود بما هو موجود، نیز مساله ای فلسفی در پاسخ به یک پرسش فلسفی بسیار مهم است که در طول تاریخ فلسفه شکل گرفته است. این مساله فلسفی ریشه در کتاب *متافیزیک* ارسطو دارد. ارسطو در کتاب *متافیزیک* سه تعریف متفاوت برای *متافیزیک* ذکر میکند. او در کتاب *آلفای بزرگ* مابعدالطبیعه را علم شناخت تبیین های نخستین همه اشیاء دانسته و در کتاب *گاما*، مابعدالطبیعه را علم موجود بما هو موجود و عوارض ذاتی آن و در کتاب *پسیلین* آن را دانش علل و مبادی نخستین می داند. فلاسفه یونانی متاخر از ارسطو مواضع متفاوتی را در قبال تعریف مابعدالطبیعه اتخاذ کرده اند و هرکدام یک تعریف را بر سایر تعاریف ترجیح داده اند و ساختار مابعدالطبیعه خود را بر اساس آن تعریف بنا کرده اند. موضع گیری های متفاوت شارحان ارسطو در قبال تعریف مابعدالطبیعه موجب پدید آمدن یک پرسش فلسفی مهم در طول تاریخ فلسفه از ارسطو تا ابن سینا شده است. مساله ای که نخستین بار ابن سینا به اهمیت آن پی برد و آن را به صورت یک مساله فلسفی در آورد. آن پرسش را می توان به صورت زیر تقریر کرد: موضوع مابعدالطبیعه چیست و چه تعریفی می توان برای آن ارائه داد؟ غایت و جایگاه مابعدالطبیعه در میان علوم